[مقام اول نظریه آقای نائینی 1](#_Toc430705146)

[مقام دوم نظریه آقای نائینی 2](#_Toc430705147)

[محل تعارض در بیان آقای خوئی 2](#_Toc430705148)

[نسبت بین متعارضین 2](#_Toc430705149)

[بررسی اشکال آقای خوئی 3](#_Toc430705150)

بسم الله الرحمن الرحیم

در بحث تعدد شرط و اتحاد جزاء طبق بیان مرحوم آخوند بیان شد که عمده سخن در این است که در بین قائلان به مفهوم، امر دائر است بین اینکه جمع به واو صورت بگیرد و یا جمع به أو انجام شود، که در حالت جمع به واو اگر یکی از دلیل‌ها نباشد، نماز باید تمام خوانده شود. و نتیجه جمع به أو این بود که برای قصر، فقط یک دلیل کافی است لذا در سه حالت از حالاتی که بحث شد، نماز قصر است.

# مقام اول نظریه آقای نائینی

مرحوم نائینی که در مقابل مشهور قائل به جمع به أو بود، استدلالی بیان فرمودند که از دو محور اصلی تشکیل شده بود. اول اینکه بعد از تساقط دو دلیل باید رجوع به اصل عملی کرد و برائت را جاری کرد، و بیان شد که این مطلب را نمی‌‌توان به صورت کلی قبول کرد بلکه در موارد متفاوت باید بحث شود که آیا این حرف صادق است یا خیر؟ و نمی‌توان رجوع به اصل عملی را در تمام موارد تجویز کرد و حتی در جریان اصل عملی، احتیاط و برائت و در بعضی موارد که مرحوم نائینی نیز اشاره کرده‌اند اصل استصحاب را مورد بررسی قرارداد.

# مقام دوم نظریه آقای نائینی

محور دوم تساقط دو دلیل خفی الاذان و خفی الجدران است، مرحوم آقای خوئی در تعلیقه اجود التقریرات و همچنین محاضرات در این مقدمه، اشکال وارد کرده‌اند که این اشکال دو قسمت دارد، اول اینکه تعارض در کجا واقع می‌شود و دوم اینکه نسبت بین متعارضین چیست؟

## محل تعارض در بیان آقای خوئی

بنا بر قول به مفهوم در مواجهه با دو دلیل، با چهار جمله برخورد می کنیم:

الف- إذا خفی الأذان فقصر

ب- إذا خفی الجدران فقصر

ج- إذا لم یخف الاذان فلا تقصر

د- إذا لم یخف الجدران فلا تقصر

در این چهار جمله آقای خوئی می‌فرمایند که در دو جمله اول که منطوق هستند با قطع نظر از اعمال مفهوم، تعارض شکل نمی‌گیرد. و از طرفی بین دو مفهوم هم تعارضی مطرح نیست، و بین هر منطوق با مفهوم خودش نیز تعارض شکل نمی‌گیرد. اما بین مفهوم جمله اول با منطوق جمله دوم و همچنین عکس این دو تعارض مطرح می‌شود، لذا محل تعارض تنها در دو مورد می‌تواند باشد.

## نسبت بین متعارضین

آقای خوئی می‌فرمایند بین دو جمله متعارض نسبت عموم خصوص مطلق حاکم است، چرا که جایی که اذان مخفی نشده است، دو حالت را می‌توان تصور کرد، اول جایی که دیوار مخفی نشده است و دوم جایی که دیوار مخفی شده است، و موردی که اذان مخفی نشده است عام است، و آن شقی که دیوار مخفی شده است از این عام خارج می‌شود.

قانون در عام و خاص مطلق، تقیید عام توسط خاص است و لذا إذا لم یخف الاذان مقید می‌شود به اینکه قصر نکن مگر اینکه دیوار مخفی شده باشد و در نتیجه تساقط نباید مطرح شود و تقیید هم جمع به أو را نتیجه می‌دهد.

## بررسی اشکال آقای خوئی

این اشکال آقای خوئی همان‌طور که شهید صدر هم بیان فرموده‌اند وارد نیست چرا که نسبت بین متعارضین عموم خصوص من وجه است، با این توضیح که در مفهوم إذا لم یخف الاذان فلا تقصر دو حالت متصور است، اول جایی که هنوز جدران مخفی نیست و دوم جایی که جدران مخفی است. اما در منطوق إذا خفی الاذان فقصر که در این حالت متصور به آن اشاره شد، هم دو حالت متصور است، اول اذان مخفی باشد و دوم اذان مخفی نباشد.

لذا در مورد لم یخف الاذان ماده افتراق وجود دارد که بیان باشد از لم یخف الاذان و لم یخف الجدران و از طرفی در منطوق خفی الجدران نیز ماده افتراق وجود دارد که خفی الجدران و خفی الاذان است. و در مجموع ماده اجتماع این دو خفی الاذان و لم یخف الجدران است که یک دلیل امر به قصر می‌کند، و دلیل دوم امر به اتمام نماز می‌کند.

و لذا با این توضیح تعارض، مثل اکرم العالم و لا تکرم الفاسق است که عام و خاص من وجه هستند، نه اینکه مثل اکرم العالم و لا تکرم العالم الفاسق که عام و خاص مطلق هستند، باشد.